

دکتر کوین ای. فردریک، والدنسیان، سخنرانی ۹ تحت تأثیر روح، طاعون و هوگنوت‌ها

کوین فردریک و تد هیلدبرانت ۲۰۲۴ ©

این دکتر کوین فردریک است که در حال تدریس در مورد تاریخ والدنسیان است. این جلسه نهم است، تحت تأثیر روح، طاعون و هوگنوت‌ها.

این خطبه امروز صبح تحت تأثیر روح نام دارد.

متن کتاب مقدس ما برای موعظه، دوم پطرس ۱، آیات ۱۶ تا ۲۱ است. زیرا هنگامی که قدرت و آمدن خداوند ما عیسی مسیح را به شما اعلام کردیم، از افسانه‌های ساختگی پیروی نکردیم، بلکه شاهدان عینی عظمت او بوده‌ایم. زیرا او از خدای پدر، هنگامی که آواز جلال و شکوه به او رسید، جلال و شکوه یافت، آنگاه «که گفت»: «این است پسر من، حبیب من، که از او خوشنودم»

ما این صدا را از آسمان شنیدیم، زمانی که با او در کوه مقدس بودیم. بنابراین، پیام نبوی را به طور کامل‌تری تأیید می‌کنیم. شما باید به این موضوع توجه کنید، همانطور که مانند چراغی در مکانی تاریک می‌درخشد تا روز روشن شود و ستاره صبح در قلب‌های شما طلوع کند.

اول از همه، باید درک کنید که هیچ پیشگویی کتاب مقدس، تفسیر شخصی نیست، زیرا هیچ پیشگویی به خواست انسان نیامده است، بلکه مردان و زنان تحت تأثیر روح القدس از جانب خدا سخن گفته‌اند. این کلام خداوند است. خدا را شکر.

فرمان‌رهای جامعه والدنسیان در کوه‌های آلپ کوتیان توسط دوک ساووی، که با نام پادشاه ساردینیا کارلوس آلبرتو نیز شناخته می‌شود، در ۱۷ فوریه ۱۸۴۸ اعطا شد. این فرمان، آزادی مذهب را به والدنسیان‌ها پس از نزدیک به ۷۰۰ سال ظلم سیاسی، مذهبی و اقتصادی، همراه با مبارزات متعدد تخریب، شکنجه و مرگ، اعطا کرد. از آغاز قرن سیزدهم تا اواسط قرن نوزدهم، ۳۳ کمپین جداگانه آزار و اذیت علیه والدنسیان‌ها، یا توسط کلیسای کاتولیک روم، پادشاه فرانسه یا دوک ساووی، صورت گرفت.

در موارد مختلف، هر سه این قدرت‌ها با هماهنگی یکدیگر برای نابودی کامل یا تلاش برای نابودی جوامع والدوسی و نابودی تک تک مؤمنان والدوسی در فرانسه و ایتالیا تلاش کردند. بقا و پیروزی استقامت آنها به عنوان یک جامعه ایمانی، چیزی است که ما امروز به عنوان شاهدی بر قدرت ایمان، با آن زندگی می‌کنیم. ما فداکاری سرسختانه این مردم، یعنی قوم خود، را به کلام خدا و گسترش انجیل عیسی مسیح در سراسر اروپای مرکزی، مدت‌ها قبل از اینکه اصلاحات مذهبی شکل بگیرد، جشن می‌گیریم.

برای آماده شدن برای این روز، من به طور گسترده در مورد والدنسیان‌ها و هوگنوت‌ها مطالعه کرده‌ام. شما در جلد اول خبرنگار ما به صلیب هوگنوت‌ها اشاره خواهید کرد. چند ماه پیش، شروع به پرسیدن این سوال کردم که چه ارتباطی بین والدنسیان‌ها و مردم هوگنوت وجود دارد و چرا صلیب هوگنوت نماد پذیرفته شده مردم والدنسیان است. هیچ پاسخ آسانی برای این سوال وجود ندارد و هرگز به طور مستقیم به این سوال پرداخته نشده است.

با این حال، مروری بر تاریخ والدنسیان و ارتباط مستقیمی که با هوگنوت‌ها داشتند، پاسخ این سؤال را برای ما فراهم می‌کند. من به دلایل مختلف تصمیم گرفتم پاسخ‌ها را با متنی از رساله اول پطرس که لحظاتی پیش

خوانده شد، در هم بیامیزم. این نامه توسط پطرس رسول نوشته شده است و به اتهاماتی که علیه او به عنوان معلم دروغین انجیل مطرح شده است، می‌پردازد.

والدنسیان، به دلیل اعتقادشان در قرن دوازدهم به شناخت و اعلام کلام خدا، توسط کلیسای کاتولیک روم به بدعت‌گذاری متهم شدند. آنچه پطرس به آن اشاره می‌کند، تفسیر خودش از وقایع نیست، بلکه جلال خدا است که در تبدیل هیئت عیسی مسیح بر بالای کوه آشکار شده است. والدنسیان مدت‌ها قبل از اینکه کلیسای کاتولیک روم این تأکید را دوباره تأیید کند، بر تصویر نورانی مسیح به عنوان تأکید اصلی کتاب مقدس تمرکز داشتند و در شناسایی مسیح به عنوان تنها رئیس کلیسا بسیار واضح بودند.

همچنین، آنها مردمان کوهستانی آلپ کوتین بودند و کوه‌ها و پنهان شدن در آن کوه‌ها و مبارزه با آنها نقش کلیدی در بقای آنها داشت. در اینجا، در این رساله، پطرس در مورد ارتباط این متن و رویداد مربوط به اقتدار در زندگی خود تأمل می‌کند. استدلالی که پطرس در این متن تأمل می‌کند یا می‌سازد و به آن اشاره می‌کند این است که معلمان دروغین ادعا می‌کنند که می‌توانند پیشگویی کتاب مقدس را تفسیر کنند، در حالی که معلمان و پیروان واقعی مسیح سخنان خود را نمی‌گویند، بلکه صرفاً بر اعلام کلام خدا تمرکز می‌کنند.

این دقیقاً تمرکز باربای والدنسیان است که در سراسر اروپای قرون وسطی به صورت دو نفره موعظه می‌کردند. پطرس با استفاده از استعاره چراغی که در جای تاریک می‌درخشد تا زمانی که، به گفته او، روزی طلوع کند و ستاره صبح در قلب‌های شما طلوع کند، بر این تمرکز بر اعلام تأکید می‌کند. این برای هر را می‌داند، آشنا به نظر می‌رسد، جایی که نور در «Lux Lucet in Tenebris» والدنسیانی که شعار قدیمی تاریکی می‌درخشد.

این متن چارچوب کاملی را برای ما فراهم می‌کند تا تاریخ والدوسیان را بررسی کنیم. مروری بر تاریخ والدوسیان در دهه‌های اول حیاتشان نشان می‌دهد که دلیل اصلی آزار و اذیت والدوسیان توسط کلیسای کاتولیک روم در ابتدا این بود که آنها بخش‌های کاملی از انجیل را حفظ می‌کردند و بدون هیچ گونه مجوز رسمی از سوی کلیسا، کلام خدا را در خیابان‌ها موعظه می‌کردند. آنها همچنین در گروه‌های دو نفره سفر می‌کردند و انجیل را به مردم در سراسر اروپا اعلام می‌کردند.

و در کمتر از صد سال، بیش از ۸۰۰۰۰۰ مسیحی در اروپا خود را والدوسیایی می‌نامیدند. از جنوب مرکزی فرانسه تا شمال ایتالیا تا آلمان و بخش‌هایی از اروپای مرکزی، نفوذ والدوسیایی‌ها گسترده و بسیار جذاب بود. نفوذ مبلغان والدوسیایی در فرانسه، تأثیر گسترده خود را در پروانس، لانگدوک، دوفین، لیون و اورن گسترش داد.

در قرن‌های ۱۴ و ۱۵، واکنش کلیسای کاتولیک روم سخت‌تر شده بود و تلاش‌های زیادی برای نابودی آیین والدوسی آغاز شد. این آیین به دلیل رد اقتدار کلیسای روم، بدعت‌گذار شناخته شد و پیروان آن تحت تعقیب قرار گرفتند و مجبور شدند از ایمان خود دست بکشند و به کلیسای روم بازگردند یا با اعدام روبرو شوند. مجموعه‌ای از پادشاهان فرانسوی، موضع متعصبانه کلیسا را تحمیل کردند و در قرن‌های ۱۵ و ۱۶ آشکارا در صدد نابودی والدوسی‌های فرانسوی برآمدند.

در دهه‌های پس از اصلاحات پروتستانی، نفوذ کلیسای والدنسی در تمام بخش‌ها به جز بخش فرانسوی کوه‌های آلپ کوتین کاهش یافت. اما در سراسر بخش عمده‌ای از مرکز و جنوب فرانسه، بذره‌های تفکر الهیاتی اصلاح‌شده خفته، اما آماده رشد دوباره بودند. با آغاز نفوذ ژان کالوین و جنبش کلیسای اصلاح‌شده در ژنو و سراسر سوئیس، این تأثیر با تأسیس کالوینیست‌های فرانسوی، که به هوگنوها معروف بودند، در بیشتر فرانسه گسترش یافت.

در سال ۱۵۵۹، ۷۰ کلیسای هوگنوت در فرانسه وجود داشت و تنها سه سال بعد، این تعداد به ۲۰۰۰ جماعت رسید. از آنجا که شباهت‌های ایمانی و الهیاتی جنبش اصلاح‌شده و کلیسای والدوسی بسیار مشابه بود، اکثر والدوسی‌هایی که دهه‌ها قبل در طول آزار و اذیت توسط نیروهای پادشاه در فرانسه به فعالیت‌های مخفی روی آورده بودند، اکنون به عنوان هوگنوت ظهور کردند. در اوایل دهه ۱۶۷۰، بیش از دو میلیون هوگنوت در فرانسه وجود داشت و نفوذ آنها تهدیدی جدی برای قدرت و اقتدار سلطنتی بود.

بین والدوسی‌ها و هوگنوت‌ها شباهت‌های زیادی وجود دارد، و همچنین تفاوت‌های قابل توجهی نیز وجود دارد. باورهای الهیاتی هر دو سنت شباهت‌های بی‌شماری داشتند. در واقع، از آنجایی که یک بیانیه اعتقادی والدوسی‌ها در قرن دوازدهم وجود داشت، بسیاری از نکات و اعمال الهیاتی اصلی که در اصلاحات ساخته شدند، شباهت‌هایی با جنبش والدوسی‌ها از پیش موجود دارند، از جمله مرجعیت کتاب مقدس، دو آیین مقدس، خداوندگاری عیسی مسیح به عنوان رئیس کلیسا، سادگی زندگی و فداکاری ناشی از روابط بین شاگردان عیسی و آموزه‌های او.

کشیشان والدوسی نقش غالبی در جامعه ایمانی داشتند و همین امر در مورد کشیشان هوگنوت نیز صادق بود. هر دو گروه از کتاب مقدس ترجمه شده به زبان فرانسوی، که توسط والدوسی‌ها در زمان اصلاحات تأیید شده بود و توسط رابرت اولیوان، پسر عموی ژان کالوین، نوشته شده بود، استفاده می‌کردند. هر دو گروه بر کشیش بودن همه مؤمنان تأکید داشتند و به فرزندان خود خواندن و نوشتن می‌آموختند تا بتوانند کتاب مقدس را خودشان مطالعه کنند.

با این حال، تفاوت‌های مهمی بین این دو گروه وجود داشت. هوگنوت‌ها بسیاری از اشراف و طبقه متوسط فرانسه را از کلیسای کاتولیک روی دور کردند، در حالی که اقتصاد کشاورزی معیشتی آلپ‌های کوتین به این معنی بود که اگرچه اکثر والدوسی‌ها می‌توانستند بخوانند و بنویسند، اما دسترسی بسیار کمی به ثروت داشتند. در واقع، سرزمین مادری آنها به عنوان یک گتوی اقتصادی شناخته می‌شد.

والدوسی‌ها در حکومت خود با نوعی حکومت ارتباطی از نوع پرسبیتی ساختار یافته بودند و سالانه برای جلسات شورایی که در آن هر یک از کلیساها توسط کشیشان و بزرگان نمایندگی می‌شدند، گرد هم می‌آمدند. کلیساهای هوگنوت بیشتر بر اساس اقتدار خود به صورت جماعتی اداره می‌شدند و اگرچه شورای کلیسای هوگنوت هر سه سال یکبار تشکیل جلسه می‌داد، اما اکثر تصمیمات به صورت محلی توسط هر کلیسای خودمختار گرفته می‌شد. به عنوان یک سلطنت کاتولیک روی، اکثر پادشاهان فرانسوی از اواسط تا اواخر قرن شانزدهم و هفدهم، کلیسای هوگنوت را به عنوان یک تهدید بزرگ مذهبی و اقتصادی برای سلطنت و کلیسا می‌دیدند.

از آنجایی که جوامع والدوسی مدت‌ها قبل از اصلاحات مذهبی هدف ظلم و نابودی قرار گرفته بودند، کلیسای هوگنوت‌های فرانسه در این بازه زمانی اغلب توسط پادشاهان فرانسه هدف نابودی قرار می‌گرفت. در سال ۱۵۷۲، رویدادی که به عنوان قتل عام روز سنت بارتولومئو شناخته می‌شود، موجی از خشونت علیه دو میلیون هوگنوت فرانسوی را آغاز کرد. این رویداد منجر به مرگ هزاران نفر و صدور فرمانی مبنی بر تغییر مذهب به کاتولیک یا تحمل مرگ شد.

بعدها، با به تخت نشستن هنری چهارم به عنوان پادشاه فرانسه در اواخر قرن شانزدهم، که خود پیش از پادشاهی یک هوگنوت بود، هوگنوت‌ها وارد دوره‌ای شدند که در آن تحمل می‌شدند. با این حال، پس از ترور هنری چهارم و ظهور کاردینال ریشلیو در دهه‌های ۱۶۲۰ تا ۱۶۴۰، محدودیت‌های اعمال شده علیه هوگنوت‌های فرانسه، کوه‌های آلپ کوتین را به عنوان مسیری برای تهاجم در نظر گرفت. ببخشید

بگذارید به آنجا برگردم. در این بازه زمانی، شاه لویی دوازدهم فرانسه، کوه‌های آلپ کوتین را به عنوان مسیری برای تهاجم و ابزاری برای گسترش امپراتوری فرانسه به منظور در بر گرفتن مناطق آلپ و پیمونت ایتالیا تحت کنترل خود می‌دید. او هزاران سرباز را به دره جزنا ایتالیا فرستاد و آنها پیرولو و دره‌های والدنسی را اشغال کردند و ساکنان آنجا را ملزم به اسکان سربازان کردند.

اما با ارتش، موش‌ها و طاعون خیارکی از راه رسیدند و بیش از نیمی از جمعیت والدوسیایی در دره‌ها، از جمله چهارده نفر از شانزده وزیر والدوسیایی را نابود کردند. این اتفاق در دهه ۱۶۳۰ رخ داد. والدوسیایی‌ها در سال ۱۵۳۲ به اصلاحات در چانفوران پیوستند.

آنها با گروهی از کشیشان آموزش دیده در ژنو شروع کردند و در طول نیم قرن بعدی، کشیشان والدوسی را از جمعیت دره‌ها استخدام و نگهداری کردند. تا زمان شروع طاعون، زبانی که در طول عبادت استفاده می‌شد ایتالیایی یا پاتوا بود. اما با از دست دادن ناگهانی همه کشیشان آموزش دیده در حوزه علمیه به جز دو نفر در زمان طاعون، جایی برای یافتن کشیشان جدید وجود نداشت جز ژنو و هوگنوت‌های فرانسوی.

دوازده کشیش جدید توسط ژنو اعزام شدند که هوگنوت‌ها را برای راهنمایی آنها فرستادند و زبان گفتاری در طول خطبه و مراسم عبادت، فرانسوی بود. از سال ۱۶۳۰ به بعد، مراسم عبادت به زبان فرانسوی برگزار می‌شد و سنتی را بنا نهاد که تا قرن نوزدهم در دره‌ها ادامه یافت. جالب اینجاست که خطبه‌های این جماعت تا دهه ۱۹۲۰ به طور منظم به زبان فرانسوی ایراد می‌شد.

طبق گفته پرسکات استیونز در کتابش «داستان والدنسیان»، حتی در دره‌های امروزی، خطبه به زبان ایتالیایی موعظه می‌شود و سرودها به زبان فرانسوی خوانده می‌شوند. یکی از پیامدهای مهم آزادی بردگان در سال تصمیم کلیساهای والدنسیان برای بشارت دادن به مردمی بود که در منطقه اطراف خود زندگی، ۱۸۴۸ می‌کردند. اکنون، پس از چندین سال اقامت در ایتالیا، می‌دانم که آنها یک سرودنامه جدید دارند و همه آنها به زبان ایتالیایی خوانده می‌شوند.

اولین جماعت جدید آنها در خارج از دره‌ها در تورین بود و کشیشان توافق کرده بودند که باید به زبان مردم موعظه کنند، که برای غیر والدوسیایی‌ها، ایتالیایی بود. از آن زمان به بعد، کلیسا شروع به فرستادن کشیشان به توسکانی کرد تا ایتالیایی را به اندازه کافی برای موعظه یاد بگیرند، اما این یک چالش بزرگ بود. به همین دلیل است که خطبه‌ها در بسیاری از کلیساهای والدوسیایی در ایتالیا به زبان ایتالیایی و نه فرانسوی ایراد می‌شوند.

شاید متوجه شده باشید که در این محراب هیچ صلیب سنتی وجود ندارد. دلیلش این است که از زمان تأسیس ساختمان‌های کلیسا در جوامع والدوسیایی، هرگونه نمادی که توسط کلیسای کاتولیک روم در عبادت استفاده می‌شد، توسط والدوسیایی‌ها به عنوان نمایشی متظاهرانه و انحراف از پیام انجیل رد می‌شد. صلیب هوگنوت‌ها از زمان پس از طاعون تحت رهبری کشیشان هوگنوت، به عنوان تنها نماد مشروع رستاخیز توسط والدوسیایی‌ها پذیرفته شد.

در واقع، برای صدها سال، تنها جواهراتی که زنان والدوسیایی مجاز به استفاده از آن بودند، به جز حلقه ازدواج، صلیب هوگنوت بود. آغاز سلطنت لویی چهاردهم، که بسیاری در فرانسه او را پادشاه خورشید می‌نامیدند، آغاز دوره‌ای از تاریکی بزرگ برای هوگنوت‌ها و والدوسیایی‌ها بود. در سال ۱۶۸۵، تمام امتیازات تساهل مذهبی نسبت به هوگنوت‌ها لغو شد و یک کمپین عظیم نابودی علیه هوگنوت‌ها به راه افتاد که منجر به تخریب صدها کلیسا، مرگ ده‌ها هزار هوگنوت و تبعید صدها هزار هوگنوت فرانسوی به بسیاری از کشورهای اروپا و قاره آمریکا شد.

تنها دو سال بعد، پادشاه توجه خود را به دره والدنسیان معطوف کرد و در پی آن بود که نفوذ والدنسیان را برای همیشه از بین ببرد. این امر منجر به مرگ صدها والدنسیان در دره‌ها، آتش زدن کلیساها، مدارس و خانه‌ها و تبعید حدود ۳۰۰۰ والدنسیان باقی‌مانده به ژنو تحت رهبری هنری آرنو شد. در ژنو، آرنو و بسیاری از پیروان مردش با هوگنوها ارتباط برقرار کردند و با هم برای یک ضدحمله در کوه‌های آلپ کوتین به نام بازگشت باشکوه در سال ۱۶۸۹ آماده شدند.

سرسختی والدنسیان‌ها و هوگنوت‌ها در این ایام منجر به بازگشت بقایای مهاجران به دره‌ها شد که اجداد تک، تک والدنسیان‌های حاضر در این اتاق شدند و در این کلیسا بزرگ شدند. باز هم، در رساله پطرس، خود او نویسنده رساله، همانطور که خواندیم، و دست راست خداوند ما عیسی مسیح، کلمات حقیقت را می‌نویسد. که در قلب هر والدنسیانی طنین‌انداز می‌شود. بنابراین، این پیام نبوی به طور کامل‌تری تأیید شده است.

شما به خوبی متوجه این موضوع خواهید بود، همچون چراغی که در تاریکی می‌درخشد تا سپیده دم و ستاره صبح در قلب‌هایتان طلوع کند. والدنسی‌ها و هوگنوت‌ها، همانطور که خود پطرس می‌دانست، می‌دانستند که کلام خدا، همراه با شهادت ما به آن کلام، نوری است که در تاریکی‌های این جهان می‌درخشد. و این ایمان و شهادت استوار بر حقیقت و در ریختن خون اجداد معنوی ما بود که خود به عنوان شاهدان زنده امید حتی در مواجهه با آزار و اذیت شدید خدمت کردند، که ما این روز را در جشن و ستایش گرامی می‌داریم.

و مانند آنها، ما به فراتر از خودمان و آزمایش‌هایمان اشاره می‌کنیم، که در مقایسه با آمدن دوباره مسیح، که همچون ستاره صبح در قلب‌های ما طلوع می‌کند، رنگ می‌بازند. بنابراین، سخنان مارتین لوتر را در زمان اصلاحات به یاد می‌آوریم، که گفت همه ما بدون اینکه بدانیم، والدنسیایی هستیم. به نام پدر و پسر و روح القدس.

آمین. من دکتر کوین فردریک هستم در تدریسش در مورد تاریخ والدوسیایان. این جلسه شماره نه است، تحت تأثیر روح، طاعون و هوگنوت‌ها.